



پژوهش تطبیقی پیرامون وجود مصحف امام علی علیه السلام از منظر فریقین

احمد محمدی مجد^۱

چکیده

مصحف امام علی علیه السلام جزو اولین آثار دربردارنده آیات وحی و میراث فرهنگی مشترک مسلمانان است که با وجود اتفاق عالمان فریقین بر اصل وجود و بعضی ویژگی‌های آن، با گذشت زمان و گاهی تحت تأثیر تعصب‌های مذهبی، شبهات و آرای نادری نسبت به اصل وجود آن بیان شده که جای بررسی و ارزشیابی دارد. لزوم همگرایی در بین فرهیختگان فرقه‌های اسلامی با تکیه بر نقاط اشتراک از ضرورت‌های جوامع علمی مسلمانان در زمان حاضر است و یکی از راه‌های این همگرایی، محوریت رای مشهور فریقین و اعتقاد و پایبندی به میراث فرهنگی مشترک از جمله مصحف امام علی علیه السلام است. امیدواریم در این تحقیق با بررسی توصیفی-تحلیلی مصحف امام علی علیه السلام در منابع اصلی و آرای نخبگان فریقین، تصویری جامع از دیدگاه فریقین در خصوص این مصحف به‌ویژه وجود آن ارائه شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اصل وجود مصحف امام علی علیه السلام در قرن‌های پیشین به‌ویژه سده‌های اولیه و اشمال آن بر کل قرآن موجود، همراه با اضافاتی به‌عنوان تفسیر، مورد اتفاق فریقین است و شبهاتی مانند: انکار وجود مصحف یا تلازم وجود مصحف با تحریف قرآن از نظر مشهور عالمان فریقین مردود است.

واژگان کلیدی: قرآن، مصحف امام علی علیه السلام، وجود و ویژگی‌های مصحف، آراء فریقین.

۱. مقدمه

میراث اسلامی اگرچه بخشی مختص شیعه و بخش دیگر آن مختص اهل سنت است، ولی بخش عمده آن بین فریقین مشترک است. مصحف امام علی علیه السلام، به دلیل تألیف آن از سوی امام اول شیعیان و صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله از قسم اخیر است و فلسفه وجودی مصحف‌ها به سنت حسنه کتابت آیات وحی توسط مسلمانان در دوران بعثت برمی‌گردد.

بحث درباره مصحف‌ها در درازای تاریخ تألیف‌های علوم قرآنی سابقه دارد و مصحف امام علی علیه السلام به دلیل تمایزهایی که با دیگر مصحف‌ها داشته، از گذشته تا به امروز مورد توجه ویژه بوده و در کتاب‌های نوشته شده پیرامون تدوین قرآن، احوال صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، مناقب و زندگی امام علی علیه السلام و مانند آنها، بخشی به مصحف امام علی علیه السلام اختصاص یافته است و در دوره اخیر نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی به صورت مستقل در این باره نوشته شده است که می‌توان این موارد را نام برد: کتاب «پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام»، تألیف جعفر نکونام؛ که در آن محور اصلی بحث انطباق ترتیب توقیفی مورد تایید پیامبر صلی الله علیه و آله بر ترتیب مصحف امام علی علیه السلام است نه ترتیب مصحف عثمانی رابع. کتاب «مصحف امام علی علیه السلام»، تألیف محمد علی ایازی؛ در این کتاب هدف اصلی نویسنده نفی ترتیب چینش مصحف امام علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول می‌باشد. در کتاب «سلامة القرآن من التحریف»، تألیف فتح‌الله محمدی (نजारزادگان)؛ نیز به ویژگی‌های مصحف امام علی علیه السلام پرداخته شده است، هر چند هدف اصلی آن، نفی تحریف از قرآن است.

مقاله‌ای با عنوان «مصحف امام و ترتیبش»، توسط محمد مهدی مهدوی‌راد و عقیل البندر، نوشته شده که به موضوع چینش آیات و سوره‌های در مصحف پرداخته و نتیجه آن نفی چینش مصحف بر اساس نزول است (مجله نصوص معاصر، شماره ۱۵ و ۱۶: ۲۱۲-۱۹۳).

مقاله‌ای نیز با عنوان «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه السلام» توسط محمد علی تجری و محدثه مقیمی‌نژاد نوشته شده که بعد از بررسی، دلالت روایات را بر ترتیب نزولی در حد یک احتمال می‌داند (مجله آموزه‌های قرآنی، سال ۱۳۹۴، شماره ۲۲: ۳۰-۳). همچنین از همین نویسندگان مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی آراء و روایات اهل سنت درباره ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه السلام» نگاشته شده، و عدم دلالت به چینش بر اساس نزول اثبات شده است.

مقاله‌ای هم با عنوان «نقد و بررسی روایات اهل سنت پیرامون مصحف امام علی علیه السلام» توسط مهدی عبادی نوشته شده که هدف اصلی نویسنده، بیان منابع و روایات اهل سنت در مورد مصحف امام علی علیه السلام است (مجله حدیث پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره ۱۹: ۹۸-۷۷). چنانکه ملاحظه می‌شود، عمده این تألیف‌ها روی بحث مشهور ترتیب چینش در مصحف امام علی علیه السلام متمرکز شده‌اند و به شبهات پیرامون مصحف از جمله انکار وجود آن توسط بعضی از متأخرین کمتر پرداخته شده است.

ضرورت پاسخ‌گویی مستدل و علمی به شبهات پیرامون مصحف امام علی علیه السلام بر کسی پوشیده نیست؛ با توجه به لزوم حفظ نقاط اشتراک بین فرهیختگان، در زمانی که دشمنان اسلام سعی در ایجاد تفرقه و دور کردن آنان از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله با ارائه آرای نادر و تبلیغ آن دارند. از فوائد مترتب بر این بحث افزون بر تقویت وحدت، ایجاد امید به استفاده از این تفسیر و حیانی برای پی بردن به مراد الهی در آینده با ظهور فرزند پیامبر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

در این پژوهش بعد از بیان جایگاه ویژه امام علی علیه السلام در موضوع مصحف‌ها، روایات و آرای عالمان فریقین پیرامون مصحف امام علی علیه السلام مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نقاط اشتراک و احیاناً افتراق آن بیان شده است تا تصویری جامع از آرای مشهور ارائه شود. همچنین بعضی از شبهات و اقوال نادر، به‌ویژه از متأخرین نیز مورد ارزشیابی قرار گرفته است.

۲. جایگاه ویژه امام علی علیه السلام

در بین کاتبان وحی، امام علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله منزلت خاصی داشت؛ رابطه آن حضرت به‌گونه‌ای بود که در هر شبانه‌روز دو بار خدمت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسید و آیات وحی و تفسیر و تأویل آن را فرامی‌گرفت (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۵۷)؛ حتی در مواردی پیامبر صلی الله علیه و آله بدون پرسش، تأویل و تفسیر آیات را به امام علی علیه السلام آموزش داده است (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۴/۱؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۲۵۷؛ فیض، ۱۳۶۵: ۲۷۸/۱-۲۷۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۶۶/۲؛ امین، ۱۳۶۳: ۳۵۶/۱). امام علی علیه السلام نیز تاکید کردند: «احدی با ما اهل بیت قابل قیاس نیست، بر ما قرآن نازل شده و ما معدن رسالت هستیم» (صدوق، ۱۴۰۴: ۷۱/۲).

روایات ذکر شده در منابع شیعه از جمله ورود امام علی علیه السلام بر پیامبر دو بار در هر شب و روز، در منابع اهل سنت نیز آمده است (نسائی، ۱۳۴۸: ۱۲/۳؛ ابن ماجه، بی تا: ۲۲۲/۲؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۰: ۸۰/۱).

اسکافی، ۱۴۰۲: ۳۰۰؛ ابن عدی، ۱۴۰۹: ۲۳۴/۴).^۱ همچنین تعلیم بدون سوال از سوی پیامبر ﷺ مورد تصدیق عالمان اهل سنت نیز هست.^۲ (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲/۳۸۵-۳۸۶؛ ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۸/۲؛ ابن مغازلی، ۱۴۲۶: ۲۲۰-۲۱۹) بلکه تصریح به منزلت خاص آن حضرت در بین کاتبان وحی نزد پیامبر در منابع اهل سنت هم آمده است. عبیدالله بن نجی حضرمی از پدرش نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام فرمود: برای من نزد رسول خدا منزلتی بود که برای احدی از خلائق نبود^۳ (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰: ۸۵/۱؛ ابن خزيمة، ۱۴۱۲: ۵۴/۲؛ مزی، ۱۴۱۳: ۴۲۹/۱۲؛ إربلی، ۱۴۰۵: ۸۹/۱).

عایشه نیز به اعلمیت حضرت علی علیه السلام نسبت به آنچه بر پیامبر ﷺ نازل شده (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۷/۱) و کتابت قرآن در محضر رسول خدا شهادت داده است (عثمان بن الصلاح و عمر بن رسلان، بی تا: ۳۶۶). حسکانی حنفی نیز درباره منحصر به فرد بودن حضرت علی علیه السلام در معرفت قرآن، ۲۱ حدیث ذکر کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۵۰/۱-۳۹). بنابراین روایات و عالمان شیعه و اهل سنت بر جایگاه ویژه علمی امام علی علیه السلام در ساحت قرآن تاکید دارند.

۳. نگارش و وجود مصحف امام علی علیه السلام

مسئله نگارش و وجود مصحف امام علی علیه السلام در میان عالمان شیعه از مسلمات است و در منابع متعدد به آن تصریح شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۳۳/۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۴۵۱/۲؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۹۸-۳۹۹؛ عیاشی، ۶۶/۲؛ مفید، ۱۴۱۴: ۸۱؛ صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۲۰/۱؛ فیض، ۱۳۶۵: ۱۷۸۱/۹). در بعضی از احادیث به صراحت آمده است، پیامبر ﷺ قبل از وفاتش به امام علی علیه السلام وصیت کرد این قرآن‌ها را که در خانه‌اش قرار دارد، جمع‌آوری [پاکنویسی و منظم و مرتب] کند تا ضایع نشود؛ آن‌طور که یهود تورات را ضایع کردند و امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از رحلت پیامبر ﷺ آن‌ها را به خانه خود برد^۴ (قمی، ۱۳۶۷: ۴۵۱/۲؛ نیز رک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۱۹/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۵/۴۰؛ امین، ۱۴۰۳: ۸۹/۱).

۱. سند حدیث معتبر است و ابن السکن به صحت آن تصریح کرده است (کحلانی، ۱۳۷۹: ۱۴۰/۱).

۲. قال [علی علیه السلام] «كنت أدخل على رسول الله ﷺ ليلا ونهارا وكنت إذا سأله أجابني وإن سكثت ابتدئني وما نزلت عليه آية إلا قرأتها وعلمت تفسيرها وتأويلها...».

۳. كانت لي من رسول الله صلى الله عليه وسلم منزلة لم تكن لاحد من الخلائق.

۴. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن رسول الله ﷺ قال لعلي: يا علي القرآن خلف فراشي في الصحف والحبر والقراطيس فخذوه وجمعوه ولا تضيعوه كما ضيعت اليهود التوراة فانطلق علي عليه السلام فجمعوه.



بزرگان اهل سنت نیز بر تألیف مصحف توسط امام علی علیه السلام تصریح کرده‌اند؛ چنان‌که در روایت محمد بن سیرین آمده است: هنگامی که پیامبر رحلت نمود، علی قسم خورد که ردا بر دوش نگیرد مگر برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع کند و این کار را انجام داد (سجستانی، ۱۴۲۳/۱: ۵۹/۱؛ ابن سعد، ۱۹۶۸/۲: ۳۳۸/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵/۴۲: ۳۹۸/۴۲؛ بلاذری، ۱۹۵۹/۱: ۵۸۷/۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱/۱: ۳۸/۱؛ نیز رک: خوارزمی، ۱۴۱۴: ۹۴). ابن سیرین تابعی هم در صدد دسترسی به مصحف امام علی علیه السلام بوده، ولی موفق نشده است (سیوطی، ۱۴۱۶/۱: ۱۶۲/۱) و گفته است اگر پیدا شود در آن علم زیادی است (ابن سعد، ۱۹۶۸/۲: ۳۳۸/۲؛ غزنای، ۱۲/۱: ۱۴۱۲/۳: ۹۷۴/۳؛ هتیمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

بنابراین عالمان سلف فریقین به نگارش و وجود مصحف امام علی علیه السلام تصریح کرده‌اند، همان‌گونه دانشمندان معاصر شیعه و سنی نیز نگارش مصحف را مسلم دانسته و فرموده‌اند: «تسالم عالمان بر وجود مصحف ما را از اثبات آن بی‌نیاز می‌کند» (خوئی، ۱۴۱۳: ۲۲۳)؛ «وجود مصحف امام علی علیه السلام مانند آتش بر مناره و خورشید در وسط آسمان است» (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۵۳-۱۵۴). عبدالصبور شاهین نیز از عالمان اهل سنت، خبر این‌ندیم را بر وجود مصحف امام علی علیه السلام قبول کرده و گفته است: این خبر به وضوح نشان از وجود مصحف به خط امام علی علیه السلام می‌دهد که به فرزندانش به ارث رسیده است^۱ (شاهین، ۱۴۲۶: ۱۹۲). و آبیاری نیز به‌طور مکرر به وجود مصحف امام علی علیه السلام تأکید کرده است (آبیاری، ۱۴۱۱: ۹۵، ۱۰۶ و ۱۰۹). حتی در روایات فریقین به مسائل جزئی مانند: مدت زمان تألیف در سه روز (ابن‌ندیم، ۱۳۹۸: ۴۱/۱؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۹۹؛ امین، ۱۴۰۳/۱: ۹۸ و ۵۹۸/۴؛ آبیاری، ۱۴۱۱: ۸۴؛ جعفر مرتضی، ۱۴۳۰: ۲۵۲/۱۰ و ۲۵۳ به نقل از الأوائل للعسکری، ۲۱۵: ۲۱۴/۱) و شش ماه (ابن شهر آشوب، ۳۱۹/۱؛ امین، ۱۴۰۳: ۵۹۸/۴؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۵۵؛ امین، ۱۴۰۳/۱: ۸۹، به نقل از از دو تن از عالمان اهل سنت؛ شیرازی در نزول القرآن و أبو یوسف یعقوب در تفسیرش) اشاره شده است.^۲

به اتفاق عالمان شیعه، تألیف مصحف امام علی علیه السلام بر تألیف قرآن در زمان ابوبکر و عثمان مقدم بوده و روایات پیشین نقل شده از شیعه و اهل سنت بر آن دلالت می‌کند؛ از

۱. و هو خبر یحده بشهادة عیان وجود مصحف بخط علی بن ابی طالب، متواتر فی بنیه.

۲. در جمع بین سه روز و شش ماه ممکن است مراد سه روز اول باشد، یا مرتب کردن آیات و سوره‌های موجود در خانه پیامبر ﷺ در یک جلد در سه روز بوده (عاملی، ۱۴۳۰: ۲۵۲/۱۰ - ۲۵۳)؛ یا اینکه مراد از سه روز، سه مرحله باشد، مانند: خلقت آسمان و زمین در شش روز (اعراف: ۵۴).

جمله روایاتی که بیانگر عدم خروج حضرت از خانه بعد از وفات پیامبر است. اما در بین عالمان اهل سنت برخی به تقدم مصحف امام علی علیه السلام قائل هستند؛ از آن جمله: ابن ابی الحدید حضرت را بعد از وفات پیامبر، اولین جمع کننده و مؤلف قرآن می داند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۲۷/۱). اگر ابن ندیم را از عالمان اهل سنت بدانیم، او نیز می گوید: اولین مصحف گردآوری شده، مصحف علی بوده است (ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۴۱/۱). ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) اصل جمع قرآن را در زمان حیات پیامبر نفی کرده و ابتدای آن را به ابوبکر با مشورت عمر نسبت می دهد و در سند و دلالت خبر ابی داود در المصاحف از طریق ابن سیرین - که گفته: «علی فرموده است هنگامی که پیامبر رحلت نمود، قسم خوردم که ردا بر دوش نگیرم مگر برای نماز جمعه تا قرآن را جمع کنم» و جمع کرد - اشکال نموده و سند روایت را به دلیل انقطاع آن ضعیف شمرده است و در ادامه گفته بر فرض صحت سند، مراد از «جمع» حفظ در سینه است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۰/۹-۹).

۴. بررسی و نقد دیدگاه عسقلانی

۴-۱. اشکال اول: انقطاع سند

سند طریق ابن سیرین به امام علی علیه السلام منقطع است؛ زیرا محمد بن سیرین متولد ۳۳ هجری قمری است، در حالی که امام علی علیه السلام متوفای سال ۴۰ هجری است. و با این سن کم نمی توانسته مستقیماً از امام علی علیه السلام نقل کند، پس واسطه افتاده و خبر از نظر سندی منقطع می شود.

جواب: با توجه به شیوع روایات (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲/۱) و حصول وثوق به صدور در اثر شیوع بر اساس قاعده علمی، از بررسی سند مستغنی خواهیم بود؛ اما این اشکال در صورتی وارد است که خبر ابن سیرین منحصر به این طریق باشد و در صورتی که ابن ضریس از نصر بن شمیل به نقل از عوف از ابن سیرین از عکرمة دو خبر نقل می کند، و خبر از انقطاع در می آید. افزون بر اینکه عده ای از عالمان اهل سنت از جمله آلوسی حداقل بعضی از این طرق - طریق ابن الضریس در فضائل علی - را به صراحت صحیح شمرده اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲/۱). و برای اثبات مضمونی، یک روایت صحیح کافی است و بر اساس رای بعضی از بزرگان از جمله مرحوم



صافی، اگر یک روایت صحیح بود هم مضمون‌های خود را که در سندش اشکالی است، حجه می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۶/۶۸).

سیوطی نیز در رد اشکال سندی عسقلانی گفته است که روایت از طریق ابن ضریس در فضائلش و ابن اشته در مصاحف از طریق ابن ادریس نیز نقل شده است: «قد ورد من طریق آخر أخرجه ابن الضَّریس فی فضائله...؛ وأخرجه ابن أشته فی المصاحف من وجه آخر عن ابن سيرين» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۱۸ و ۱۶۲۰). ظاهر از کلام سیوطی که در مقام رد اشکال سندی عسقلانی می‌گوید: «روایت دو طریق دیگر دارد»؛ این است که این دو طریق یا حداقل یکی از دو طریق نزد سیوطی صحیح بوده است وگرنه بیان سیوطی لغو می‌شود. احتمال هم دارد نظر سیوطی بر این باشد که روایت، طرق متعدد دارد و وثوق به صدور پیدا می‌شود.

حاکم نیشابوری هم بعد از آنکه تألیف و جمع قرآن را از روی رقع‌ها در حضور پیامبر ﷺ توسط زید بن ثابت و دیگران را از زید نقل می‌کند، به صحت سند آن بر اساس شرط شیخین تصریح می‌کند: «هذا حديث صحيح على شرط الشيخين و لم يخرجاه». (بنابر این روایت صحیح‌السند و واضح‌الدلالة از جمع قرآن قبل از زمان ابوبکر خبر می‌دهد و مدعای ابن حجر بر عدم تألیف قبل از ابوبکر را به چالش می‌کشد.

۲-۴. اشکال دوم: اشکال دلالتی

اما در اشکال دلالتی روایت و حمل جمع بر حفظ، موارد ذیل قابل ذکر است:

۱-۲-۴. کلمه «جمع» بر اساس معنای لغوی و موارد استعمال به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است. ابن فارس می‌گوید: «جمع: يدلّ على تَضَام الشيء» (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۱۹۰)؛ که «تَضَامُ الْقَوْم» به معنی مجتمع شدن است. موارد استعمال دیگر نیز به همین معنا است: به صحرای مزدلفه در بیرون مکه «جمع» گفته می‌شود، برای اینکه مردم در آن به هم ضمیمه می‌شوند یا به خاطر اینکه آدم و حوا در آنجا جمع شدند؛ یا گفته می‌شود: «الصلاة جامعة»؛ یعنی بر شما باد نماز در حالی که جمع‌کننده مردم است؛ و همچنین به مسجدی که در آن نماز جمعه می‌خوانند، «الجامع» گفته می‌شود به خاطر اینکه مردم را در وقت معلومی جمع می‌کند (فیومی: ۱۴۰۵: ۱۰۸، ۱۱۰). بنابراین حمل کلمه «جمع» توسط ابن حجر بر حفظ در سینه، بدون قرینه و برخلاف موازین علمی است.

۲-۲-۴. موارد استعمال این کلمه در روایات موجود در منابع اهل سنت، دلالت بر اراده معنای تألیف دارد؛ از جمله: روایات با تعبیر «کُتِبَ عَلَی تَنْزِیلِهِ» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۷۴/۳؛ هیتمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). روایات بیانگر اشتغال مصحف بر علم (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۸/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۹۸/۴۲؛ هیتمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۷۴/۳؛ غرناطی، ۱۲/۱). روایات بیانگر نوشتن ناسخ و منسوخ در مصحف «کُتِبَ فِی مَصْحَفِهِ النَّاسِخُ وَالْمَنْسُوخُ» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۸). روایت بیانگر تلاش ابن سیرین برای دست یابی به مصحف (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۲). افزون بر این، روایات شیعی هم دلالت بر عرضه مصحف بر قوم و عدم قبول آن و همچنین وصیت پیامبر ﷺ به جمع آوری قرآن دارد.

۳-۲-۴. خود روایت ابن ابی داود مشتمل بر کلمه «مصحف» بوده است: «... حتی یجمع القرآن فی مصحف ففعل» (سجستانی، ۱۴۲۳: ۵۹/۱) ولی متأسفانه عسقلانی این گونه نقل کرده است: «... حتی أجمع القرآن فجمعه» (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۰/۹-۹)؛ و کلمه «فی مصحف» که نص در تألیف است، توسط عسقلانی آورده نشده است.

۴-۲-۴. افتخار بسیاری از مسلمانان، حفظ آیات هم زمان با نزول بوده است. همچنین یکی از راه های جمع قرآن در درجه اول حفظ بوده و مؤید آن سیره اعراب در حفظ اشعار است. شهادت هفتاد قاری و حافظ در بئر معونه در زمان پیامبر ﷺ و هفتاد یا هفتصد نفر در روز یمامه، دلیلی دیگر بر کثرت حافظان است (زرکشی، ۱۳۷۶: ۲۴۲/۱؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۹۳/۱؛ قرطبی، ۵۰/۱). زرکشی حافظان قرآن در زمان حیات پیامبر ﷺ را جماعت کثیری می داند که حداقل تعدادشان به حد تواتر است (زرکشی، ۱۳۷۶: ۲۴۱/۱؛ نیز رک: خوئی، ۱۳۹۵: ۲۴۵) و قدر متیقن از آن، حفظ در سینه است.

ابن ابی الحدید نیز تصریح می کند که امام علی علیه السلام به اجماع مسلمین، قرآن را در زمان پیامبر ﷺ حفظ کرده است: «اتَّفَقَ الْکُلُّ عَلَى أَنَّهُ كَانَ یَحْفَظُ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَمْ یَکُنْ غَیْرَهُ یَحْفَظُهُ» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۷/۱؛ نیز رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۴۱).

۵-۲-۴. قضاوت های ابن حجر عسقلانی حتی نسبت به مذاهب اهل سنت بدون تعصب نبوده است؛ علامه سبکی می گوید: «نباید در ترجمه حال هیچ حنفی اعم از متقدم و متأخر به ابن حجر [شافعی] مراجعه کرد» (دانشنامه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷: ۳/۱۰۸۶؛ مقاله ۱۰۸۶)؛ بنابراین به طریق اولی نسبت به شیعیان و احادیث شیعه نمی توان به قضاوت عسقلانی اعتماد

کرد. شاهد بر صدق گفته سبکی، اتهام نصرانیت و حلال شمردن شراب توسط عسقلانی به عالم کم نظیر و پرهیزکار شیعه، شهید ثانی است. عسقلانی در حوادث سال‌های ۷۸۱ و ۷۸۶ هجری قمری نوشته است: «و فیها (۷۸۱) قتل محمد بن مکی الرافض بدمشق بسبب ما شهد به علیه من الانحلال و اعتقاد مذهب النصرانیة و استحلال الخمر الصرف و غیر ذلك من القبايح» (عسقلانی، ۱۳۸۹: ۲۰۰/۱ و ۲۹۹).

شاهد دیگری بر بی‌اعتباری آرای عسقلانی، بنای او بر تضعیف روایات وارده در فضائل اهل بیت: در تفسیر کشاف زمخشری با تالیف کتاب «الکافی الشاف فی تخریج احادیث الکشاف» است.

۴-۲-۶. اینکه یک محقق در مسئله‌ای که چند روایت دارد، تنها روایت مقطوع را بدون ذکر سایر روایات مسند نقل کند و در ادامه بخشی از متن روایت را حذف کرده و سپس در سند و دلالت روایت اشکال کند، مناسب جایگاه عالم و تحقیق نیست.

۴-۲-۷. ده‌ها دلیل در منابع اهل سنت بر جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) دلالت دارد؛ برای مثال: به جمع قرآن از سوی چهار نفر در زمان پیامبر (ص) تصریح شده است (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۰۳/۶-۱۰۲). و وجود پنج و شش مصحف برای صحابه در زمان پیامبر (ص) ذکر شده است (متقی هندی، ۵۷۷/۲ و ۵۷۹؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۲۲۴/۱)، حتی بعضی از صحابیات هم مصحف داشته‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۹۶/۱). علی بن رباح خبر از جمع قرآن از سوی امام علی (ع) و ابی در زمان پیامبر (ص) داده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۵؛ خوارزمی، ۱۴۱۴: ۹۴-۹۳). ابن ندیم بابی را با عنوان «الجماع للقرآن علی عهد النبی (ص)» قرار داده و به ذکر اسامی آنان پرداخته است و از «علی بن ابی طالب» به عنوان نخستین فرد نام برده است (ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۴۷۱).

آبیاری از عالمان اهل سنت نیز بعد از تأیید سه جمع برای قرآن در سه دوره مختلف، می‌گوید: «جمع در زمان ابوبکر مانع از این نیست که قرآن قبلاً توسط عده‌ای از اصحاب جمع شده باشد؛ مانند آنچه علی، ابن مسعود، ابن عباس و غیر این‌ها انجام دادند، هدف عمر این بوده که با کمک‌گیری از همه قراء یک کار جمعی - نه فردی - و رسمی به دستور و به اسم خلافت و حکومت تحقق یابد، به همین جهت به زید دستور داد بر در مسجد بنشین و...» (آبیاری، ۱۴۱۱: ۱۰۹.۱۱۰). البته حذف مطالبی که دلالت بر فضایح قوم می‌کرد نیز علت جمع ابوبکر ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۲۸-۲۲۵؛ حویزی، ۱۴۱۲: ۴۲۱/۱؛ فیض، ۱۴۱۶: ۴۷/۱). شاید نفی

برتری امام علی علیه السلام بر خلفا در فضیلت جمع آوری قرآن نیز از اهداف بوده و موید آن، تلاش پیروان سقیفه بر اثبات اولین جمع قرآن توسط خلفا است.

بنابراین نسبت اولین جمع به ابوبکر و سهیم کردن عمر در مشورت دادن به وی، بر اساس این اعتقاد صورت گرفته که دو خلیفه بر سایر صحابه در تمام امور تقدم دارند؛ اما این مسئله مورد اعتراض نظام نیشابوری، عالم بزرگ اهل سنت، قرار گرفته است و فرموده: «مگر واجب است بر ما که پایین تر بودن منزلت علی رضی الله عنه را در همه جا از اکابر اصحاب ثابت کنیم؟ چه عیبی دارد که علی فضیلتی داشته باشد که دیگر اصحاب از آن برخوردار نباشند؟» (نظام، ۱۴۱۶: ۲۷۶/۶، ذیل آیه ۱۲ سوره مجادله). به بیان دیگر: «اصرار جمعی بر اینکه قرآن به هیچ وجه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله جمع آوری نشده و این افتخار نصیب عثمان یا خلیفه اول و دوم گشت، شاید بیشتر به خاطر فضیلت سازی بوده باشد» (مکرم، ۱۳۷۲: ۱۷۱).

متأسفانه همین اعتقاد در بین بعضی از مفسران اهل سنت باعث شده است مطالبی در تفسیر آیات بیان گردد که حکمت الهی در تشریع و منزلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله خدشه دار شود تا منزلت خلفا حفظ گردد (برای نمونه ر.ک: تفسیر فخر رازی، سوره مجادله، ذیل آیه ۱۲ و سوره لیل، ذیل آیات ۱۵، ۱۹).

۵. تابعان عسقلانی در نفی وجود مصحف

۵-۱. بعد از عسقلانی، آلوسی در سند روایات مصحف امام علی علیه السلام اشکال کرده و بعضی از روایات را ضعیف و بعضی دیگر را جعلی دانسته و روایات صحیح السند را نیز حمل بر جمع در سینه کرده است. در پایان نیز ضمن بیان اینکه جمع او برای غرض دیگری بوده (که کدام آیه، ناسخ است و کدام آیه ای منسوخ)، تایید می کند که مصحف او در حقیقت، یک کتاب علمی است: «وقیل کان جمعاً بصورة آخری لغرض آخر، و یؤیدہ أنه قد کتب فیہ الناسخ و المنسوخ فهو ککتاب علم» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲/۱).

جواب اشکال در سند و حمل جمع بر حفظ در سینه گذشت. اما اینکه مصحف علی علیه السلام را "کتاب علم" خوانده، منافاتی با قرآن بودن مصحف ندارد؛ زیرا مصحف افزون بر اصل قرآن، شامل شرح و تفسیر آیات نیز بوده است که متمایز از قرآن بوده و جزو قرآن شمرده نمی شود.

۲-۵. عزه دروزه از عالمان اهل سنت نیز نسبت به مصحف امام علی علیه السلام و مخالفت به چینش آن تشکیک کرده و دلیل آن را عدم وجود روایت صحیح‌ه‌ای که دلالت کند کسی آن مصحف را دیده یا کسی آن را در بین مردم دیده باشد قرار داده و گفته است: ابن سیرین تابعی هم که تمام مدینه را گشته است نتوانسته به مصحف علی دسترسی پیدا کند. (عزه دروزه، ۱۳۸۳: ۹۸/۱).

اگر مراد عزه دروزه تشکیک در اصل وجود مصحف باشد، افزون بر ادله‌ای که قبلاً ذکر شد، اینکه ابن سیرین در تمام مدینه درصدد دستیابی به مصحف بوده است، خود بهترین دلیل بر اصل وجود مصحف است. اما عدم دسترسی ابن سیرین و عدم تداول مصحف در بین مردم، دلیل بر عدم وجود آن نیست؛ زیرا روایات تصریح می‌کند که امام علی علیه السلام بعد از عدم پذیرش مصحف توسط حاکمان، فرمود: به خدا قسم بعد از این، آن را نخواهید دید: «فقال أما والله ما ترونه بعد یومکم هذا أبدا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۶۳۳). به عقیده شیعه، این قرآن نزد ائمه معصومین علیهم السلام بوده و دیگران به آن دسترسی نداشتند؛ اما در مورد ترتیب مصحف بحث آن خواهد آمد.

۳-۵. ناصر قفاری، مصحف امام علی علیه السلام را امری وهمی شمرده: «آن مصحف علی المزعوم» (قفاری، ۱۴۱۴: ۲۶۱/۱)، و اعتقاد به مصحف را ملازم تحریف قرآن دانسته است (قفاری، ۱۴۱۴: ۹۳-۸۸). وی جز دروغ، تهمت و ناسزاگویی نسبت به مذهب شیعه و عالمان آن و اثبات بی‌اطلاعی خود از تشیع، مطلب تازه‌ای در کتابش بیان نکرده است و برای این کار از «تقطیع، تحریف احادیث اهل بیت و کلمات عالمان شیعه، استناد به احادیث شاذ نزد شیعه، استشهاد به کلمات دشمنان شیعه، خلط بین مذهب شیعه اثنا عشری با دیگر فرقه‌های شیعه و...» بهره برده است (عبدالقادر عبدالصمد، بی‌تا: ۱۰).

باید دانست وهمی خواندن وجود مصحف قبل از اینکه تنقیصی برای مصحف و شیعه باشد، توهین به شعور کثیری از عالمان بزرگ اهل سنت است که قرن‌ها درباره‌ی یک امر وهمی، حدیث‌ها و مطالب بسیاری در کتاب‌هایشان آورده‌اند. اما وجود مصحف و مغایرت آن در برخی ویژگی‌ها، ملازم با قول به تحریف قرآن نیست؛ چون بزرگان شیعه و اهل سنت عقیده دارند مصحف افزون بر اشتمالش بر کل قرآن، حتی بدون یک حرف کم و زیادی شامل موارد دیگر از قبیل بیان ناسخ و منسوخ، شأن نزول، تأویل و غیر اینها بوده که جزو قرآن تنزیلی نیست

و در واقع تفسیر وحیانی است که به وسیله جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شده و ایشان هم به امام علی علیه السلام تعلیم کرده و در کنار قرآن و متمایز از قرآن، برای فهم بهتر مراد الهی نوشته شده است. البته این نتیجه گیری های ناصواب قفاری منحصر به مصحف نیست و در موارد متعدد اتفاق افتاده است؛ برای مثال: غیر اسلامی نامیدن قانون اساسی جمهوری اسلامی به خاطر اینکه در آن سنت رسول خدا ﷺ حذف شده و به جای آن سنت معصومین: قرار داده شده است (قفاری، ۱۴۱۴: ۳/۱۱۸۰)؛ در حالی که همه می دانند در معارف شیعه، پیامبر اسلام ﷺ اولین و بالاترین معصوم از چهارده معصوم است.

یا این نتیجه ناصواب که چون در ایران خمینی را امام می نامند و در نزد شیعه امام از نبی بالاتر است، پس خمینی ادعای نبوت دارد؛ یا این نتیجه گیری که چون در ایران می گویند: «الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر» خمینی اسم خودش را در اذان قرار داده و بر شهادتین مقدم داشته است: «فأذان الصلوات فی ایران: الله اکبر، الله اکبر (خمینی رهبر) ای أن الخمینی هو القائد، ثم أشهد أن محمداً رسول الله» (قفاری، ۱۴۱۴: ۳/۱۱۴۴ و ۱۱۵۳).

البته از پیروان مکتب وهابیت که بر پایه عقاید شیخ الاسلام اموی ابن تیمیه و به تعبیر علامه امینی «حملة الروح الأمویة الخبیثة» (امینی، ۱۳۹۷: ۳/۹۲)، پایه گذاری شده بیش از این انتظار نیست. ابن حجر هیتمی ابن تیمیه را فردی گمراه، کر، کور و ذلیل شمرده که حرف هایش ارزشی ندارد: «ابن تیمیة عبدٌ خذله الله وأضله وأعماه وأصمّه وأذله...» و «الحاصل أن لایقام لکلامه وزن (ابن حجر هیتمی، بی تا: ۱/۸۴-۸۳).

۶. سایر شواهد و دلائل بر اصل وجود مصحف امام علی علیه السلام

۶-۱. اخبار بیانگر اشتغال مصحف بر تمام قرآن موجود

در منابع شیعه تصریح شده است که امام علی علیه السلام فرمود: ای مردم هیچ آیه ای نیست مگر اینکه آن را در مصحف جمع کردم از سوره فاتحه قرآن تا آخرش: «یا أيها الناس... و لیست منه آیه إلا وقد جمعتها... من فاتحته إلى خاتمته» (سلیم بن قیس، ۱۳۸۰: ۱۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱/۸۹)، بلکه حتی یک حرف از قرآن در مصحف کم یا زیاد نشده است^۱ (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶؛

۱. «فلما جاء به قال: هذا کتاب ربکم كما أنزل علی نبيکم، لم یزد فیہ حرف ولا ینقص منه حرف»؛ نیز ر.ک: مجلسی،

۱۴۰۳: ۴۱/۸۹؛ بحرانی، ۱۴۲۳: ۸۰/۴؛ فیض، ۱۴۱۶: ۴۷/۱؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ۳۸۳/۱؛ خوئی، ۱۳۹۵: ۲۲۳.

فیض، ۱۳۶۵: ۹/ ۱۷۷۹).

تعبیر «کتابه علی تنزیله»^۱ یا «جمعه علی ترتیب نزوله»^۲ و مانند آن که در منابع و اقوال عالمان اهل سنت در مورد مصحف امام علی (ع) آمده، با توجه به اینکه ضمیر «تنزیله و نزوله» به قرآن باز می‌گردد و ظاهرش کل قرآن است، می‌تواند مؤید اشتغال مصحف بر کل قرآن نزد آنان باشد.

کلمه «القرآن» نیز در عبارات پیش‌رو، ظهور در کل قرآن دارد: «أقسم علی أن لا یرتدی برداء إلا لجمعة حتی یجمع القرآن فی مصحف ففعل» (سجستانی، ۱۴۲۳: ۵۹/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۹۸/۴۲ و ۳۹۹: «... حتی أجمع القرآن کما أنزل» (بلاذری، ۱۹۵۹: ۵۸۷/۱).

اشتغال مصحف امام علی (ع) بر کل قرآن را می‌توان به وضوح از توجیه عدم قبول مصحف استنباط کرد؛ آنجا که گفتند: احتیاجی به مصحف شما نداریم، نزد ما مانند آنچه پیش تو است وجود دارد: «فقالوا: لا حاجة لنا فیه، عندنا مثل الذی عندک» (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶)؛ «فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فیه القرآن لا حاجة لنا فیه» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۶۳/۲)؛ «فقام إلیه الثانی فقال له: ان یکن عندک قرآن فعندنا مثله» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۲۰/۱).

۲-۶. اخبار بیانگر اشتغال مصحف بر زیاده از قرآن موجود

اشتغال مصحف بر زیاده نزد شیعه مسلم است. شیخ مفید از جماعتی از عالمان شیعه نقل کرده که مصحف امام علی (ع) افزون بر قرآن، مشتمل بر تأویل و تفسیر و حیانی بوده ولی جزء قرآن تنزیلی و معجزه ای نبوده، و همین رای را تأیید می‌کند: «وذلك کان ثابتاً منزلاً و إن لم یکن من جملة کلام الله تعالی الذی هو القرآن المعجز». (مفید، ۱۴۱۴: ۸۱؛ نیز رک: صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶؛ سلیم بن قیس، ۱۳۸۰: ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸/۲۶۴؛ خوئی، ۱۳۹۵: ۲۲۳). البته برخی ذکر نام‌های منافقین و فضائح بعضی از مهاجرین و انصار را نیز که از مصادیق تفسیر است جزو زیادات مصحف شمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۲۵/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۹۲؛ بحرانی، ۱۴۲۳: ۴/۸۲؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۸۱/۲).

بزرگانی از عالمان اهل سنت نیز با بیان اشتغال مصحف بر «علم» (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۸/۲؛

۱. «قال ابن سیرین: فبلغنی أنه کتب [فی ش: کتبه] علی تنزیله» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳/۹۷۴؛ هیممی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

۲. «فلما توفی رسول الله ﷺ قعد علی بن أبی طالب رضی الله عنه فی بیتة فجمعه علی ترتیب نزوله. (ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱۲/۱).

ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۹۸/۴۲؛ هیتمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)، «علم كثير» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۷۴/۳) و «علم كبير» (غرناطی، ۱۲/۱)، اشتغال وجود زیاده در مصحف را پذیرفته‌اند. و برخی به اشتغال آن بر بیان ناسخ و منسوخ تصریح کرده‌اند: «كتب في مصحفه الناسخ والمنسوخ» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲/۱).

باتوجه به آنچه در کتب فریقین و کلمات علما بیان شد، مشتمل بودن مصحف امام علی علیه السلام بر اموری زائد مورد اعتراف همگان است؛ ولی این اشتغال باعث نمی‌شود آن گونه که برخی تصور کرده‌اند، این مصحف با قرآن موجود متفاوت باشد (احسان الهی ظهیر، ۱۳۹۸: ۹۱-۸۸)؛ زیرا نوشتن مطالبی به عنوان شرح و تأویل آیات و مرادف کلمات آن در مصحف‌ها رایج بوده است، مانند: "و صلاة العصر" در مصحف همسران پیامبر: «حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى و صلاة العصر» (ابن ابی داود، ۱۴۲۳: ۲۳۸/۱-۲۲۹)؛ "متتابعات" در قرائت ابی بن کعب «فصيام ثلاثة أيام؛ متتابعات» (همان: ۱۶۶)؛ "إلى أجل مسمى" از ابن عباس در «فما استمتعتم به منهن؛ إلى أجل مسمى» (همان: ۲۱۶)؛ "في مواسم الحج فابتغوا حينئذ" از ابن مسعود در «لا جناح عليكم أن تبغوا فضلا من ربكم؛ في مواسم الحج فابتغوا حينئذ» (همان: ۱۶۸).

نوشتن برخی مطالب حتی در مصحف افراد معمولی نیز نقل شده است؛ مانند «و هو أب لهم» در خبر ابوالقاسم شحامی (ابن عساکر: ۳۳۹/۷). یا آنچه را عامر شعبی می‌گوید که «كتب رجل مصحفا و كتب عند كل آية تفسيرها» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲). این گونه تفسیر و توضیح را یا همراه با آیه می‌نوشتند، مانند موارد بالا و یا در حاشیه، چنان که شهرستانی در مورد مصحف امام علی علیه السلام نقل کرده است.^۱

امتیاز زیادات مصحف امام علی علیه السلام از دو جهت: فراگیری مستقیم امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گستردگی محتوا؛ مورد تصریح فریقین است (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۵۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۸/۱-۴۷؛ نیز ر.ک: اسکافی، ۱۴۰۲: ۳۰۰؛ ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۸/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۸۶/۴۲-۳۸۵).

۱. قيل أنه كان في مصحفه المتن والحواشي وما يعترض من الكلامين المقصودين كان يكتبه على العرض والحواشي (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۷۹/۲-۷۸).

۲. امام علی علیه السلام فرمودند: «ما نزلت على رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آية من القرآن ألا اقرانها و املاها على فكتبتها بخطي و علمت تأويلها و تفسيرها و ناسخها و منسوخها و محكمها و متشابهها و خاصها و عامها و دعا الله ان يعطيني فهمها و حفظها، فما نسيت آية من



این زیادات را جبرئیل از طرف خداوند به پیامبر ﷺ تعلیم کرده که در اصطلاح «وحی تفسیری و تفسیر وحیانی» گفته می‌شود و مورد تصریح روایات (عیاشی، بی‌تا: ۱۷/۱) و قبول عالمان بزرگ شیعه، مانند شیخ مفید، شیخ صدوق، علامه مجلسی است و عالمان اهل سنت نیز به آن معترف هستند. اوزعی از حسان بن عطیه نقل می‌کند: وحی بر پیامبر نازل می‌شد و جبرئیل تفسیر آن را هم به پیامبر خبر می‌داد «روی الأوزاعی عن حسان بن عطیه قال كان الوحي ينزل على رسول الله صلى الله عليه وسلم ويحضره [يخبره] جبريل بالسنة التي تفسر ذلك» (ابن عبد البر، ۱۳۹۸: ۱۹۱/۲).

ابن کثیر در توضیح حدیث شریف پیامبر ﷺ که فرمود: آگاه باشید به من قرآن و مثل قرآن هم داده شده «ألا إني أوتيت القرآن و مثله معه» (ابن حنبل، ۱۴۲۰: ۴۱۰/۲۷؛ نیز ر.ک: أشيب بغدادی، ۱۴۱۰: ۷۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۲۳؛ طبرانی، ۱۴۱۷: ۱۳۷/۲؛ سمعانی، ۱۴۱۸: ۱۰۷/۲؛ ابن براج، ۱۴۱۱: ۵/۱؛ علامه حلی، ۱۳۷۹: ۱۹)؛ می‌گوید: «مراد از مثل، سنت است و سنت هم مانند قرآن بر پیامبر وحی می‌شده و فرقی با قرآن در این است که تلاوت نمی‌شود» (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۴/۱). سیوطی نیز «مثل قرآن» را در روایت سنت می‌داند و سنت را شارح و مفسر قرآن می‌شمارد (سیوطی، ۱۴۱۶: ۴۶۷/۲).

۳-۶. اخبار و اقوال علما پیرامون ترتیب آیات و سوره‌ها در مصحف

از دیگر دلایل بر قبول وجود مصحف، بحثی پردامنه بین عالمان فریقین درباره ترتیب آیات و سوره‌ها در مصحف است. در میان عالمان شیعه در این باره چند دیدگاه وجود دارد:

۱. به نظر مشهور بر اساس ترتیب نزول است (خوئی، ۱۴۱۳: ۲۲۳؛ معرفت، ۱۴۱۴: ۱۲۴/۱؛ طباطبائی، ۱۳۶۰: ۱۱۳؛ حسن صدر، بی‌تا: ۲۵). ظاهر اطلاق کلام قائلان به این نظریه رعایت ترتیب نزول در سوره‌ها و آیات است^۱ بعضی نیز به رعایت ترتیب نزول در هر دو تصریح کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۷۹).
۲. ترتیب سوره‌ها و آیات مصحف امام علی علیه السلام همانند قرآن موجود است (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۰؛ رادمهر و البندر، ۱۴۲۹: ۲۰۲؛ ناصحیان، ۱۳۸۹: ۲۸۹ و دیگران).

کتاب الله ولا علما املاه علی و کتبتہ منذ دعا الله لی بما دعا...».

۱. وقد جمع امیر المؤمنین علیه السلام القرآن المنزل من أوله إلى آخره، وألفه بحسب ما وجب من تأليفه، فقدم المكي على المدني، والمنسوخ على الناسخ، ووضع كل شيء منه في محله. نیز ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹/۷۴؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۵۳-۵۴؛ بلاغی، ۱۳۵۲: ۱۸؛ جعفر مرتضی، ۱۴۱۰: ۱۶۰؛ معرفت، ۱۴۱۴: ۱۲۴؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۱؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۳۷۲؛ نجارزادگان، ۱۴۲۴: ۷۱).

۳. تنها ترتیب سوره‌ها بر اساس نزول است، اما ترتیب آیات مطابق قرآن موجود است و این دیدگاه ظاهر از کلام محقق خوبی است^۱ و برخی به این نظریه تصریح کرده‌اند (مظلومی، ۱۳۶۰: ۸۰-۷۹).

۴. برخی دیگر بین اقوال جمع کرده و گفته‌اند: «در مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام زیر آیات، ترتیب نزول جداگانه یادداشت شده تا در موارد لزوم استفاده گردد و همین معنای تنظیم مصحف امیر علیه السلام به ترتیب نزول [است] که هیچ‌کس جز او بر این امر کاملاً واقف نبوده است» (مظلومی، ۱۳۶۰: ۸۰).

بعضی نیز گفته‌اند: امام علی علیه السلام دو قرآن داشت؛ قرآنی مثل قرآن موجود که ترتیب آیات و سوره‌های آن به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و حضرت علی علیه السلام بعد از وفات ایشان آن را تألیف کرد و همین را بر صحابه عرضه داشت و آنان قبول نکردند. قرآن دیگری نیز داشت که بر اساس ترتیب نزول و به املائی پیامبر نوشته بود و تنها نزد آن حضرت بود و پیامبر وصیت کرد به امام بعدی تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف برسد (کورانی، ۱۴۱۸: ۳۵۲ و ۳۵۴).

اما این نظریه که امام علی علیه السلام یک قرآن شخصی به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت که قبل از رحلت آن حضرت، بر اساس ترتیب نزول نوشته و باید آن را نزد خود حفظ می‌کرد و به امامان بعدی می‌رسید، مستند تاریخی ندارد؛ بلکه بر اساس روایاتی که خواهد آمد (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۲۵/۱؛ فیض، ۱۴۱۶: ۴۳/۱-۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱/۴۲۶)، امام مأمور بود همان قرآن عرضه شده را بعد از عدم قبول، به ائمه بعدی تحویل دهد.^۲

در بین عالمان اهل سنت نیز در ترتیب آیات و سوره‌ها چند قول وجود دارد:

۱. چینش آیات و سوره‌ها در مصحف حضرت علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۷۱/۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۳۹/۹-۳۸؛ نیز ر.ک: قرطبی، ۱۴۱۶: ۵۹/۱؛ ابن جزئی، ۱۴۱۶: ۱۲/۱). این قول به جمهور عالمان اهل سنت نسبت داده شده (زرقانی، ۱۹۴۸: ۳۴۶/۱). برخی از عالمان

۱. «ان وجود مصحف لأمر المؤمنین علیه السلام یغایر القرآن الموجود فی ترتیب السور مما لاینبغی الشک فیه» (خوئی، ۱۴۱۳: ۲۲۳).
۲. یعقوبی، مصحف امام علی علیه السلام را مشتمل بر هفت جزء دانسته که در اول هر جزء یکی از سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف و انفال همراه با پانزده تا هفده سوره دیگر قرار دارد (یعقوبی، بی تا: ۱۳۶/۲-۱۳۵). این ترتیب به خاطر مخالفت با اجماع در چینش سوره‌های مصحف مورد اعتنا قرار نگرفته است (معرفت، ۱۴۱۴: ۱۲۷/۱). احتمال دارد نسخه‌ای به این کیفیت توسط فردی نوشته شده باشد و چون مطابق قرائت منسوب به امام علی علیه السلام بوده، به این نام معروف شده است.



معاصر اهل سنت نیز به چینش بر اساس ترتیب نزول تصریح کرده‌اند (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۳/۱؛ آبیاری، ۱۴۱۱: ۸۵؛ کردی، ۱۳۶۵: ۷۲).

۲. در نظریه دیگر، تألیف بر اساس ترتیب نزول انکار و محال دانسته شده است. مستند طرفداران این دیدگاه، قول عکرمه است که گفته اگر جن و انس جمع شوند نمی‌توانند چنین تألیفی را انجام دهند (فهد رومی، ۱۴۲۴: ۱۷).

در پاسخ گفته می‌شود که براساس مبانی اهل سنت، پیامبر ﷺ مسلماً قدرت بر چنین تألیفی را دارد. وبا توجه به تفسیر «انفسنا» در آیه ۶۱ سوره آل عمران به امام علی نزد شیعه و عده‌ای از علما اهل سنت از جمله: (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۸۸/۳؛ نظام، ۱۴۱۶: ۱۷۸/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۹/۲؛ به نقل از جابر) و روایاتی که می‌گویند پیامبر تمام تنزیل و تأویل قرآن را به او تعلیم کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۳/۱) و روایت سلیمان الأحمسی که بیانگر علم امام علی علیه السلام به تمام آیات است (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۸/۲؛ خوارزمی، ۱۴۱۴: ۹۰)، این توانایی را برای امام علی علیه السلام امکان‌پذیر می‌کند.

اما امکان آن بر اساس اعتقادات شیعه امری بدیهی است. در جزء چهارم کتاب بصائر الدرجات، ابواب ۶ تا ۱۰، احادیث زیادی ذکر شده که بیانگر یکسان بودن جایگاه ائمه با پیامبر ﷺ در جهات مختلف همچون علم به قرآن است (صفار، ۱۴۰۴: ۲۲۲-۲۱۳). بلکه می‌توان ادعا کرد اگر فردی دیگر نیز هر آیه را در زمان نزولش نگارش کرده بود، می‌توانست بر پایه نزول جمع کند.

۴-۶. اخبار و اقوال علما درباره سرانجام مصحف امام علی علیه السلام بعد از عرضه اولیه

بر اساس اعتقادات شیعه، این مصحف بعد از عرضه و عدم قبول حاکمیت، از دسترس عمومی خارج شد؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرمودند: «به خدا سوگند هرگز پس از امروز آن را نخواهید دید» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۳۳/۲). و روایات زیادی بر وجود آن نزد ائمه معصومین دلالت دارد، برای مثال: امام علی علیه السلام در جواب طلحه که گفت مصحف را به چه کسی می‌سپاری؟ به انتقال آن به امامان بعد از خود تصریح کرده است.^۱ (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۲۵/۱؛ فیض، ۱۴۱۶: ۴۲/۱-۴۳؛

۱. «إلى من تدفعه و من صاحبه بعدك؟ قال عليه السلام: إن الذي أمرني رسول الله ﷺ أن أدفعه إليه وصيتي وأولى الناس من بعدي بالناس ابني الحسن، ثم يدفعه ابني الحسن إلى ابني الحسين، ثم يصير واحدا بعد واحد من ولد الحسين، حتى يرد آخرهم حوضه».

مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱/۴۲۶). امام صادق علیه السلام نیز از وجود مصحف نزد امام زمان علیه السلام خبر داده است: «فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ... أَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ علیه السلام» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۶۳۳).^۱ روایات بیانگر وجود میراث انبیا و ائمه نزد امام عصر علیه السلام نیز بر وجود مصحف امام علی علیه السلام نزد ایشان دلالت دارند (صفار، ۱۴۰۴: ۱۸۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲۳۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۳۱۸).

روایات اهل سنت نیز از عدم دسترسی مردم به مصحف خبر داده‌اند؛ برای نمونه ابن سیرین بعد از قبول اصل وجود مصحف، از عدم دسترسی خود به آن گزارش داده است: «ابن سیرین قال فطلبت ذلك الكتاب و كتبت فيه إلى المدينة فلم أقدر عليه» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۲/۱). ظاهر متن پیش رو نیز بیانگر عدم دسترسی به مصحف است: «قال محمد فلو أصيب ذلك الكتاب كان فيه علم» (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۲/۳۳۸؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱۲/۱؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۳/۹۷۴؛ هیتمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

اما برخی گزارش‌ها از رؤیت مصحف منسوب به امام علی علیه السلام حکایت می‌کنند؛ برای مثال ابن ندیم به دیدن مصحف نزد فرزندان امام حسن مجتبی: تصریح کرده است^۲ (ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۴۱/۱). و بعضی از عالمان معاصر اهل سنت بعد از نقل گزارش ابن ندیم، آن را شهادت حسی بر وجود مصحف در بین فرزندان امام علی علیه السلام دانسته‌اند (شاهین، ۲۰۰۵: ۱۹۲).

با توجه به روایات نقل شده از فریقین، به احتمال زیاد مصحف‌های دیده شده یا باید قرآنی باشد که حضرت با خط خود نوشته و تنها شامل قرآن تنزیلی بوده، یا قرآن‌هایی بوده که نسخه‌نویسان از روی این قرآن تنزیلی که به خط امام علی علیه السلام یا مطابق قرائت ایشان بوده، نسخه‌برداری کرده‌اند و همین نسخه‌های جدید ناسخان یا قرآن تنزیلی امام علی علیه السلام، قرآن علی علیه السلام نامیده شده‌اند. بنابراین قرآن‌هایی که گفته می‌شود به خط امام علی علیه السلام در کتابخانه‌ها بوده و سوخته یا هنوز موجودند، قطعاً از این نوع خواهد بود و

۱. در سند این روایت در کافی «سالم بن سلمه» است، اما شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة، ۸۲۷/۴ و الفصول المهمة فی أصول الأئمة، ۳۱۴/۳، از کافی با سند «سالم ابوسلمه» نقل می‌کند و نجاشی سالم ابوسلمه را توثیق کرده است: «سالم بن مکرم بن عبدالله ابو خدیجه و یقال ابوسلمه... ثقة ثقة» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۸۸). محقق خویی نیز او را ثقة شمرده و تضعیف شیخ طوسی را چون ناشی از یکی دانستن سالم ابوسلمه با سالم بن ابی سلمه بوده، بی اعتبار می‌داند (خویی، ۱۴۰۹: ۸/۲۶-۲۲)؛ بنابراین سند روایت تصحیح شده است.

۲. «وكان المصحف عند أهل جعفر ورأيت أنا في زماننا عند أبي يعلى حمزة الحسيني رحمه الله مصحفا قد سقط منه أوراق بخط علي بن أبي طالب يتوارثه بنو حسن علي مر الزمان».

این‌ها غیر از مصحف محل بحث است. قابل ذکر است که مشهور اهل سنت درباره وجود فعلی مصحف امام علی علیه السلام ساکت هستند.

نتیجه‌گیری

هرچند دیدگاه عالمان بزرگ فریقین درباره مصحف امام علی علیه السلام تمایزهای اندکی دارد و این مسئله مانند دیگر موضوعات، طبیعی است؛ اما با توجه به آنچه از کتب اولیه حدیثی شیعه و اهل سنت و نظریات بزرگان از علما بیان شد، نتایج ذیل به دست آمده است. اکثر قریب به اتفاق عالمان فریقین بر اصل وجود مصحفی برای امام علی علیه السلام که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله جمع شده، اتفاق دارند؛ بر پایه این دیدگاه افراد کمی که بعد از گذشت چند قرن در اصل وجود مصحف تشکیک کرده‌اند، قابل اعتنا نیست. عالمان فریقین در اینکه مصحف امام علی علیه السلام مشتمل بر کل قرآن موجود بوده است، اتفاق نظر دارند. آنان همچنین بر اشتغال مصحف بر زیاداتی از قبیل بیان ناسخ و منسوخ، شأن نزول و بیان تأویل هم عقیده‌اند که از آن به تفسیر و حیانی یا وحی تفسیری تعبیر می‌شود و متمایز از قرآن تنزیلی بوده است. بنابراین آن‌گونه که بعضی تصور کرده‌اند، ملازمه‌ای بین اعتقاد به اشتغال مصحف بر زیادات و قول به تحریف قرآن وجود ندارد. درباره ترتیب سوره‌ها و آیات در مصحف امام علی علیه السلام، مشهور عالمان فریقین معتقد به چینش بر اساس ترتیب نزول و غیر مشهور قائل به همانندی با قرآن موجود هستند. عالمان فریقین وجود مصحف امام علی علیه السلام را دست‌کم تا مدتی در میان فرزندان آن حضرت، نقل کرده‌اند؛ اما درباره وضعیت فعلی مصحف، شیعه معتقد است نزد امام عصر علیه السلام نگهداری می‌شود ولی اهل سنت در این باره ساکت هستند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. آبیاری، ابراهیم (۱۴۱۱ق)، تاریخ القرآن، چاپ سوم، قاهره. بیروت: دار الكتاب المصری/ اللبنائی.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن أبی الحدید، عبد الحمید (۱۳۷۸ق)، شرح نهج البلاغة، محمد أبو الفضل إبراهيم، چاپ اول، مصر- ایران: دار إحياء الكتب العربية - إسماعیلیان.
۴. ابن أبی داود، عبد الله (۱۴۲۳ق)، المصاحف، محمد بن عبده، مصر: الفاروق الحديثة.
۵. ابن اثیر (بی تا)، أسد الغابة، بیروت: دار الكتاب العربی و طهران: إسماعیلیان.
۶. ابن بابویه قمی، علی (۱۴۰۴ق)، الإمامة والتبصرة، چاپ اول، قم: مدرسة إمام مهدی.
۷. ابن جزی غرناطی، محمد (۱۴۱۶ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، عبد الله خالدی، بیروت: دار أرقام.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۳۷۹ق)، فتح الباری، فواد عبدل الباقي، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۳۸۹ق)، انباء الغمر، حسن حبشی، مصر: المجلس الاعلی للشئون النشر.
۱۰. ابن حجر هیتمی، أحمد (۱۳۸۵ق)، الصواعق المحرقة، عبد الوهاب عبد اللطیف، چاپ دوم، مصر: طباعة الفنية المتحدة.
۱۱. ابن حجر هیتمی، أحمد (بی تا)، الفتاوی الحدیثیه، بیروت: دار الفکر.
۱۲. ابن خزیمه، محمد (۱۴۱۲ق)، صحیح ابن خزیمه، محمد مصطفی أعظمی، چاپ دوم، بی جا: المکتب الإسلامی.
۱۳. ابن سعد، محمد (۱۹۶۸م)، الطبقات الکبری، إحسان عباس، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
۱۴. ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۶ق)، مناقب آل أبی طالب، نجف: المکتبة الحیدریة.
۱۵. ابن عبد البر، یوسف (۱۳۹۸ق)، جامع بیان العلم وفضله، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. ابن عبد البر، یوسف (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب، علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت: دار الجیل.
۱۷. ابن عدی، عبد الله (۱۴۰۹ق)، الکامل، یحیی مختار غزازی، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.
۱۸. ابن عساکر، علی (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۱۹. ابن فارس، احمد (۱۳۸۷ش)، ترتیب مقائیس اللغة، علی عسگری. حیدر مسجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. ابن کثیر، إسماعیل (۱۴۰۸ق)، البدایة والنهائة، علی شیری، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. ابن مغازی، علی (۱۴۲۶ق)، مناقب علی بن أبی طالب، چاپ اول، قم: انتشارات سبط النبی.

۲۲. ابن ماجه، محمد (بی تا)، سنن ابن ماجه، محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الفکر.
۲۳. ابن ندیم، محمد (۱۳۹۸ق)، الفهرست، بیروت: دار المعرفة.
۲۴. ابوحیان اندلسی، محمد (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط، بیروت: دار الفکر.
۲۵. إحسان إلهی ظہیر پاکستانی (۱۳۹۸ق)، الشیعة والسنة، چاپ سوم، لاهور: ترجمان السنة.
۲۶. أحمد بن حنبل (۱۴۲۰ق)، مسند إمام أحمد بن حنبل، شعيب الأرنؤوط وآخرون، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۷. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول، چاپ اول، قم: دار الحديث.
۲۸. اسکافی، محمد (۱۴۰۲ق)، المعیار والموازنة، محمد باقر محمودی، چاپ اول، بی جا.
۲۹. اشیب، حسن (۱۴۱۰ق)، جزء اشیب، خالد بن قاسم ردادی، چاپ اول، دبى: دار علوم الحديث.
۳۰. إربلی، علی (۱۴۰۵ق)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، چاپ دوم، بیروت: دار الأضواء.
۳۱. أمین، محسن (۱۴۰۳ق)، أعيان الشيعة، حسن أمین، بیروت: دار التعارف.
۳۲. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق)، الغدير، بیروت: دار الكتاب العربی.
۳۳. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۳۴. بحرانی، یوسف (۱۴۲۳ق)، الدرر النجفیة، چاپ اول، بیروت: دار المصطفی.
۳۵. بخاری، محمد (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
۳۶. بلاذری، أحمد (۱۹۵۹م)، أنساب الأشراف، محمد حمید الله، مصر: دار المعارف.
۳۷. بکری، عبد الرحمن أحمد (۲۰۰۲م)، من حياة الخليفة عمر بن الخطاب، چاپ هفتم، بیروت: الإرش.
۳۸. بیهقی، احمد (۱۳۲۴ق)، السنن الکبری، محمد عبد القادر عطا، چاپ سوم، بیروت: دار الكتب العلمية.
۳۹. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۰ق)، حقائق هامة حول القرآن الکریم، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۳۰ق)، الصحیح من سیرة الإمام علی، چاپ اول، ایران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۱. حاکم حسکانی، عبيد الله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزيل، محمد باقر محمودی، چاپ اول، ایران: وزارت ارشاد. مجمع احیاء ثقافت اسلامی.
۴۲. حاکم نیشابوری، محمد (بی تا)، المستدرک علی الصحیحین، مصطفی عبد القادر عطا، چاپ اول، بیروت: دار الكتب العلمية.
۴۳. حویش آل غازی، عبد القادر (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، چاپ اول، دمشق: مطبعة الترقی.
۴۴. حویزی، عبد علی (۱۴۱۲ق)، تفسیر نور الثقلین، رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۴۵. خطیب بغدادی، احمد (۱۴۰۵ق)، الکفایة فی علم الدراية، احمد عمر هاشم، چاپ اول، بیروت: دار الكتاب العربی.

۴۶. خوارزمی، موفق (۱۴۱۴ق)، المناقب، مالک محمودی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۵ق)، البیان، چاپ چهارم، بیروت: دار الزهراء.
۴۸. زرقانی، محمد (۱۹۴۸م)، مناهل العرفان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. زرکشی، محمد (۱۳۷۶ق)، البرهان، محمد أبو الفضل إبراهيم، چاپ اول، بیروت: دار احیاء الكتب العربیه.
۵۰. رامیار، محمود (۱۳۶۹)، تاریخ قرآن، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۵۱. رومی، فهد (۱۴۲۴ق)، جمع القرآن الکریم فی عهد الخلفاء الراشدين، ریاض: مرکز تفسیر للدراسات القرآنیه.
۵۲. سلیم بن قیس هلالی (۱۴۲۲-۱۳۸۰ش)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، محمد باقر انصاری، چاپ اول، قم: دلیل ما.
۵۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)، الإیتقان، سعید المندوب، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۵۴. سمعانی، منصور (۱۴۱۸ق)، تفسیر السمعانی، یاسرین ابراهیم و غنیم بن عباس، چاپ اول، ریاض: دار الوطن.
۵۵. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۵۶. شاهین، عبدالصبور (۱۴۲۶ق)، تاریخ القرآن، چاپ اول، قاهره: نهضة مصر.
۵۷. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۳ش)، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ترجمه محسن احمدی، تهران: منیر.
۵۸. صدر، سید حسن (بی تا)، الشیعة وفنون الإسلام، بی جا، نرم افزار مکتبه اهل بیت (علیهم السلام) (ردیف: ۶۲۲۳).
۵۹. صدوق، محمد (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات، عصام عبد السید، چاپ سوم، بیروت: دار المفید.
۶۰. صدوق، محمد (۱۴۰۳ق)، الخصال، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۱. صدوق، محمد (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا، حسین أعلمی، بیروت: الأعلمی.
۶۲. صفار، محمد (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، حسن کوچه باغی، تهران: الأعلمی.
۶۳. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۰ش)، قرآن در اسلام، قم: هجرت.
۶۴. طبرانی، سلیمان (۱۴۱۷ق)، مسند الشامیین، حمدی عبدالمجید السلفی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۶۵. طبرسی، احمد (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، محمد باقر خراسان، نجف: دار النعمان.
۶۶. عبدالصمد، عبدالقادر (بی تا)، الزی علی کتاب «أصول مذهب الشیعة الامامیه الاثنی عشریه، للفقاری»، دارالوحدة الإسلامیة.
۶۷. عثمان بن الصلاح و عمر بن رسلان (بی تا)، مقدمة ابن الصلاح ومحاسن الاصطلاح، بنت الشاطی، دار المعارف.

۶۸. عزة دروزة، محمد (۱۳۸۳ق)، *التفسير الحديث*، قاهره: دار إحياء الكتب العربية.
۶۹. علامه حلی، حسن (۱۳۷۹ش)، *منهاج الكرامة*، عبد الرحيم مبارك، چ، ۱، قم: الهادی و مشهد: تاسوعا.
۷۰. عیاشی، محمد (بی تا): *تفسير العیاشی*، هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامیة.
۷۱. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۶ق)، *التفسير الصافي*، حسین اعلمی، چاپ دوم، قم: تهران: هادی و صدر.
۷۲. فیض کاشانی، محسن (۱۳۶۵ش)، *الوافی*، ضیاء الدین حسینی اصفهانی، چاپ اول، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین.
۷۳. فیومی، احمد (۱۴۰۵ق)، *مصباح المنیر*، چاپ اول، قم: دار الهجرت.
۷۴. قرطبی، محمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.
۷۵. قفاری، ناصر بن عبد الله (۱۴۱۴ق)، *أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية*، چاپ اول، بی جا.
۷۶. قمی، علی (۱۳۶۷ش)، *تفسير قمی*، قم: دار الكتاب.
۷۷. کحلانی صنعانی، محمد (۱۳۷۹ق)، *سبل السلام*، محمد عبد العزيز الخولی، چاپ چهارم، مصر: مصطفى البابی.
۷۸. کردی، محمد طاهر (۱۳۶۵ق)، *تاریخ القرآن الكريم*، چاپ اول، جده: الفتح.
۷۹. کلینی، محمد (۱۳۶۵ش)، *الكافي*، علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلامیه.
۸۰. کورانی، علی (۱۴۱۸ق)، *تدوین القرآن*، باقری، چاپ اول، بی جا: دار القرآن الكريم.
۸۱. کوفی، فزات (۱۴۱۰ق)، *تفسير فزات کوفی*، چاپ چهارم، تهران: وزارت ارشاد.
۸۲. متقی هندی، علی (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بکری حیانی. صفوة السقا، بیروت: دار صادر.
۸۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بهبودی، عابدی زنجانی، موسوی، چاپ دوم، بیروت: الوفاء.
۸۴. مزی، یوسف (۱۴۱۳ق)، *تهذیب الکمال*، بشار عواد معروف، چاپ دوم، بیروت: الرسالة.
۸۵. مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۰ش)، *پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی*، چاپ اول، تهران: آفاق.
۸۶. معرفت، محمد هادی (۱۴۴ق)، *تلخیص التمهید*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸۷. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵ش)، *علوم قرآنی*، چاپ هفتم، قم: موسسه التمهید.
۸۸. مفید، محمد (۱۴۱۴ق)، *أوائل المقالات*، ابراهیم انصاری، چاپ دوم، بیروت: دار المفی.
۸۹. مکارم، ناصر و همکاران (۱۳۷۲ش)، *تفسير نمونه*، تهران: دار الكتب الاسلامیه.
۹۰. موسوی بجنوردی، محمد کاظم و همکاران (۱۳۶۷ش)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، چاپ اول، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۹۱. ناصحیان، علی اصغر (۱۳۸۹ش)، *علوم قرآنی در مکتب اهل بیت*، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۹۲. نجارزادگان، فتح الله (۱۴۲۴ق)، *سلامه القرآن من التحریف*، تهران: مشعر.
۹۳. نجاشی، احمد (۱۴۱۶ق)، *فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹۴. نسائی، احمد (۱۳۴۸ق)، *سنن النسائی*، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۹۵. نظام نیشابوری، حسن (۱۴۱۶ق)، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، زکریا عمیران، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹۶. نکونام، جعفر (۱۳۸۲)، *پژوهشی در مصحف امام علی*، چاپ اول، رشت: کتاب مبین.
۹۷. نوری، حسین (۱۳۶۹ش)، *نفس الرحمن فی فضائل سلمان*، جواد قیومی، چاپ اول، اصفهان: آفاق.
۹۸. یعقوبی، احمد (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، قم: نشر فرهنگ اهل بیت.